

بررسی سقط جنین از منظر فقه اسلامی و حقوق ایران و افغانستان

محمد رضا میرزایی^۱

چکیده

یکی از مباحثی که در فقه اسلامی و حقوق ایران و افغانستان به آن توجه شده، بحث سقط جنین است. این مسئله علاوه بر اینکه از نظر فقها حرام است، در قانون نیز جرم‌انگاری شده است به طوری که مرتکب، به مجازات‌های مقرر، محکوم می‌شود. البته قانونگذاران، مواردی را از باب قاعده الضرورات تبیح المحظورات در سقط جنین استثنا نموده است. این مقاله با بررسی مبانی فقهی (آیات و روایات) و حقوقی (قوانین موضوعه) کوشیده است تا علل حرمت و جواز سقط جنین را از نظر فقه اسلامی و حقوق ایران و افغانستان بیان نماید. بر اساس آیه شریفه «انا خلقنا الانسان من نطفة امشاج نبتليه فجعلناه سمیعاً بصیراً» (انسان: ۲)، فقها و حقوقدانان مبدأ پیدایش انسان را نطفه می‌دانند که تبدیل به جنین شده و سپس در آن روح دمیده می‌شود. به همین جهت، جنایت وارده بر جنین را در هر مرحله که باشد، در واقع جنایت بر انسان بی‌دفاع تلقی نموده‌اند که عقلاً و شرعاً ممنوع شده است. پدیده سقط جنین از زمان‌های قدیم در میان ملل مختلف و انسان‌ها رواج داشته و در جهان امروز هم یک آسیب مشترک تلقی می‌شود که به انگیزه‌های مختلف اجتماعی، اخلاقی، فرهنگی و اقتصادی روی می‌دهد که جامعه امروزی در برخورد با این مسئله تصمیمات متفاوتی را اتخاذ نموده‌اند، به طوری که برخی از آن‌ها تجویز، برخی منع و برخی دیگر در شرایط خاص اجازه داده‌اند.

کلید واژه‌ها: جنین، سقط جنین، جرم، مجازات، حرام، قتل نفس.

۱. دانش‌پژوه دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی جامعه المصطفی علیه السلام العالمیه نمایندگی خراسان.

مقدمه

دین مبین اسلام برای حیات انسانها اهمیت فراوانی قائل است، به طوری که خداوند متعال در قرآن مجید می‌فرماید: «من قتل نفسا بغير نفس او فساد فی الارض فکأنما قتل الناس جميعا». (مائده: ۳۲)

در این آیه قتل ناحق یک نفر را مساوی با قتل جمیع انسانها می‌داند؛ حتی برای نطفه‌ای که در رحم مستقر شده به طور کلی سقط آن را در هر مرحله که باشد حرام دانسته و برای آن دیه تعیین کرده است. اگر چند سقط جنین به صورت نهان و آشکار و با انگیزه‌های مختلف در عصر جدید شیوع پیدا کرده، اما از گذشته‌های دور در میان جامعه بشری رواج داشته است.

ادیان الهی، نطفه را مبدأ پیدایش انسان دانسته و از تعدی بر آن منع کرده است. جوامع بشری متناسب با ارزشها و عقاید حاکم بر هر جامعه، در نظام حقوقی خود به گونه متفاوت با این پدیده برخورد نموده‌اند. در نظام حقوقی ایران و افغانستان که برگرفته از احکام شریعت اسلامی و دیدگاههای فقهاست، سقط عمدی جنین به طور کلی از زمان انعقاد نطفه تا لحظه تولد، جرم تلقی شده و مجازات دارد، مگر اینکه وجود جنین برای حیات مادر خطرناک بوده و یا خود جنین، دارای ناهنجاری‌هایی باشد که با توجه به نظرات فقها و بر اساس قوانین موضوعه استثناء شده است و در شرایط خاص می‌توان آن را سقط نمود.

۱. کلیات و مفاهیم

۱.۱. معنای جنین و سقط جنین

«جنین» از کلمه «جن» گرفته شده و در لغت‌نامه گفته شده «مراد از جن موجوداتی است که نهفته و پوشیده از چشم مردم هستند». (عمید، ۱۳۶۳: ذیل واژه) جنین نیز در لغت به معنی هر چیزی پوشیده است. بچه در شکم مادر را از آن جهت که در رحم مستور است، جنین می‌گویند. (دهخدا، ۱۳۴۰: ذیل واژه)

«والجنین: الولد مادام فی بطن امه لاستتاره فیه» (ابن منظور، بی تا: ذیل واژه)؛ فرزند تا زمانی که در شکم مادرش است، چون مخفی است، جنین گفته می شود. بنابراین نتیجه می گیریم همان طور که «جن» از چشم مردم پوشیده و پنهان است، «جنین» نیز در شکم مادر از چشم مردم پنهان است و به همین علت به آن جنین می گویند.

سقط نیز در لغت به معنی «بچه نارس و مرده که پیش از فرا رسیدن هنگام ولادت از شکم مادر بیفتد» گفته می شود. (عمید: ۱۳۶۳: ذیل واژه) همچنین در لغت نامه دهخدا سقط، به معنای «بچه انداختن یا بچه افکندن پیش از زمان» (دهخدا، ۱۳۴۰: ذیل واژه) آمده است. بنابراین، خروج بچه پیش از موعد تولد را سقط جنین گویند.

در لسان العرب آمده است: «السقط بالفتح والضم والكسر: الولد الذی یسقط من بطن امه قبل تمامه» (ابن منظور، بی تا: ذیل واژه)، سقط (به فتح سین، ضم و یا کسر) به بچه ای گفته می شود که قبل از تمام شدن (زمان ولادت) از شکم مادرش بیفتد.

سقط جنین از دیدگاه پزشکی قانونی عبارت است از: «خروج عمدی یا خود به خودی جنین، قبل از آنکه قادر به زندگی در خارج رحم باشد، سقط جنین گویند. معمولاً اگر جنین قبل از ۲۰ هفتهگی از رحم خارج شود، قابلیت حیات در بیرون از رحم را نخواهد داشت». (گودرزی و کیانیان، ۱۳۹۳: ۲۳۷)

سقط جنین از نظر سازمان بهداشت جهانی این گونه تعریف شده است: «قطع خودبه خودی یا عمدی حاملگی از اولین روز قاعدگی تا هفته بیستم». (محقق داماد: ۱۳۷۳: ۴۱)

در اصطلاح حقوقی، سقط جنین این گونه تعریف شده است: «اخراج عمدی قبل از موعد جنین یا حمل، به نحوی که زنده یا قابل زیستن نباشد و یا منقطع ساختن دوران بارداری». (گلدوزیان، ۱۳۷۲: ۱/۱۸۳)

۲.۱. پیشینه سقط جنین

سقط جنین اگر چه امروزه به صورت شایع وجود دارد اما این امر، از گذشته‌های خیلی دور در جوامع بشری رواج داشته و بر اساس مطالعات انجام شده و تحقیقاتی که صورت گرفته، می‌شود گفت که سقط جنین حتی در میان انسان‌های ماقبل تاریخ، به روش‌های مختلفی انجام می‌شده است، به طوری که در یونان باستان، دانشمندانی مانند سقراط و ارسطو از روش‌های سقط جنین برای کنترل جمعیت سخن به میان آورده و رومی‌ها نیز برای سقط جنین، مجازات‌هایی را در نظر گرفته بودند.

در کشور چین هم از دارویی نام برده شده که از ترکیبات گیوه به دست می‌آمده و برای سقط جنین از آن استفاده می‌شده است. (محیط: ۱۳۴۸/۱۰۹)

در بعضی از جوامع اسلامی قدیم هم، قوانین مدون پزشکی وجود داشته که تجویز گیاهان و داروهای سقط‌آور، گناهی نابخشودنی محسوب شده و جریمه‌های را نیز برای مرتکبین در نظر گرفته بودند.

در عصر حاضر و جوامع کنونی که از ممنوعیت‌های اخلاقی سقط جنین تا حد زیادی کاسته شده و همچنین بر اثر پیشرفت‌ها و رشد جوامع علمی، این مسئله در سراسر جهان شیوع زیادی پیدا کرده است، به طوری که سالانه میلیون‌ها سقط قانونی و غیر قانونی در جهان انجام می‌شود. طبق آمار که بیان شده اگر سقط قانونی وجود نداشته باشد و یا موانع و محدودیت‌های زیادی برای این مسئله وجود داشته باشد، ممکن است سالانه ۱۵۰۰۰۰۰ زن بر اثر آن فوت کنند. (طلعتی، ۱۳۸۳: ۲۶۵-۲۶۴)

۳.۱. مراحل تشکیل جنین

از زمانی که نطفه در رحم مادر منعقد و تبدیل به جنین شده و در موعد طبیعی زایمان متولد می‌شود، مراحل مختلفی از رشد و تکامل را می‌گذراند که این مراحل مختلف به شرح ذیل است:

پس از لقاح اسپرم با تخمک که اصطلاحاً به آن «انعقاد نطفه» می‌گویند، از اولین هفته پس از لقاح، شروع به لانه‌گزینی می‌کند و در هفته دوم به طور کلی در دیواره رحم جای گرفته و شروع به رشد می‌کند. از هفته سوم تا هشتم که اصطلاحاً دوره «رویانی» نامیده می‌شود، اعضای اصلی بدن تشکیل می‌شود به طوری که در انتهای هفته هشتم جنین انسان از سایر پستانداران قابل تشخیص است. (سادلر، ۱۳۸۰: ۴۷)

در چهل روز اول، جنین به صورت خون جامد یا بسته تبدیل می‌شود که به این مرحله «علقه» گفته می‌شود. در چهل روز دوم این خون تبدیل به قطعه گوشت قرمزی می‌شود که دارای رگ‌های آبی رنگی است که به آن «مضغه» گفته می‌شود. پس از اینکه استخوان‌هایی به شکل غضروف در آن ایجاد شد، به این حالت «عظم» می‌گویند. مرحله دیگر جنین «لحم» است که از نظر فیزیکی، اطراف استخوان با گوشت پوشیده شده و در واقع جنین کامل می‌شود؛ اما هنوز روح در آن دمیده نشده است که این مهم، پس از گذشت چهار ماه از بارداری صورت می‌گیرد و به این ترتیب جنین دارای حیات انسانی می‌شود. چنان که خداوند در قرآن می‌فرماید: «ثم خلقنا النطفة علقه فخلقنا العلقه مضغه فخلقنا المضغة عظماً فكسونا العظام لحماً ثم انشأناه خلقاً آخر». (مؤمنون: ۱۴)

پس از اینکه جنین دارای حیات انسانی شد، احکام انسان بر او مترتب شده و علایم حیاتی از قبیل تپیدن قلب، حرکت اعضاء و... در او مشاهده می‌شود. (گودرزی، ۱۳۷۲: ۵۹۵)

۴.۱. انواع سقط جنین و علل آن

برای سقط جنین انواع و دلایلی بیان نموده اند که به قرار ذیل می‌باشد:

۴.۱.۱. سقط جنین خودبه‌خودی

در برخی از خانم‌ها بنا به دلایل ارثی، ساختاری، ابتلا به بیماری‌های گوناگون مانند فشارخون، عفونتها، اختلالات هورمونی، اختلالات جفت و جنین،

اختلالات ژنتیکی و ناهنجاریهای کروموزومی سقط به صورت خودبه‌خودی صورت می‌پذیرد. (همان: ۲۳۷)

این نوع از سقط بدون اینکه پدر و مادر یا هر شخص دیگری دخالت داشته باشد، انجام می‌شود و مسئولیتی هم به لحاظ فقهی و قانونی متوجه آنان نیست.

۱. ۴. ۲. سقط جنین درمانی یا طبی

گاهی ادامه بارداری برای مادر، به دلیل ابتلا به بیماریهای صعب‌العلاج و خطرناک بسیار خطرناک و مهلک است؛ یا اینکه جنین، دارای ناهنجاری است که بعد از زایمان، قادر به حیات نمی‌باشد. در این موارد با وجود سه شرط اساسی، اقدامات لازم پزشکی و قانونی، اجازه سقط درمانی صادر می‌گردد:

۱. ادامه بارداری برای جان مادر خطرناک باشد؛
۲. سقط قبل از ولوج روح صورت پذیرد؛
۳. خود عمل سقط جنین برای مادر خطر بیشتری دربر نداشته باشد. (گودرزی و کیانیان، ۱۳۹۳: ۲۳۸)

۱. ۴. ۳. سقط جنین جنایی

اگر یکی از حالات زیر در سقط جنین به اثبات برسد، سقط، جنایی محسوب می‌گردد:

۱. خروج محتویات رحم قبل از موعد طبیعی توسط مادر از طریق دستکاری رحم، یا خوردن دارو یا ضربه عمدی به رحم؛
۲. دستکاری رحم یا تجویز داروی ساقط‌کننده جنین توسط کسان دیگر؛
۳. به کارگیری وسایل مخصوص توسط پزشک، ماما و یا افراد غیر مجاز برای خونریزی و سقط جنین بدون مجوز قانونی. (همان)

در هر سه حالت، مرتکب، مجرم بوده و به حسب مورد، قانونگذار برای هریک از حالات، قصاص، دیه و مجازات جداگانه تعیین کرده است.

۱.۴.۴. سقط جنین ناشی از ضربه

گاه به دنبال حوادث، تصادف‌های رانندگی و صدمات یا یک ضربه، بدون اینکه جنایتی در کار باشد، سقط جنین رخ می‌دهد. معمولاً ضربه‌هایی در ایجاد سقط مؤثرند که مستقیماً بر رحم اثر بگذارند. (همان: ۲۴۱) که نوعاً چون در این‌گونه سقط‌ها، جنایت و عمدی در کار نیست، قانونگذار برای آن دیه در نظر گرفته است.

۲. بررسی سقط جنین در فقه اسلامی

چنان که بیان شد، سقط جنین به چهار نوع خودبه‌خودی، درمانی یا طبی، جنایی و سقط ناشی از ضربه، تقسیم می‌شود. قسم اول، چون هیچ شخصی در انجام آن دخالتی ندارد، از محل بحث خارج است. موضوع مورد بحث، سقط جنین درمانی، جنایی و ضربه‌ای است که به دلایل عوامل اخلاقی، اجتماعی، اقتصادی و پزشکی صورت می‌گیرد که در بعضی از کشورها مجوزی برای سقط به حساب می‌آید.

۲.۱. بررسی فقهی سقط جنین از دیدگاه فقهای اهل تسنن

۲.۱.۱. سقط جنین قبل و بعد از دمیدن روح

مذاهب اهل سنت در مورد سقط جنین قبل از دمیدن روح، آرای گوناگونی دارند که علت این تشتت آراء ممکن است با تکیه بر اجتهادات و توجه به مبانی خاص هر مذهب باشد. (طلعتی: ۱۳۸۳/۲۸۷)

بسیاری از بزرگان حنفی سقط جنین قبل از دمیدن روح را (چه اینکه عذری باشد یا نباشد) جایز می‌دانند، اما عده‌ای دیگر فقط در صورت داشتن عذر آن را جایز می‌دانند. (عویس: بی تا/ ۵۳۰)

در میان آرای متیقن، شافعیان، سقط جنین قبل از چهل روز یعنی در مرحله نطفه را جایز می‌دانند، غیر از غزالی که معتقد است نطفه از زمان لقاح و استقرار در رحم شروع به شکل‌گیری کرده و آمادگی برای تکامل و دمیده شدن روح را دارد؛ لذا معتقد است که سقط آن جایز نیست.

علمای مالکی به اتفاق سقط جنین قبل دمیدن روح را مطلقاً جایز نمی‌دانند، مگر اینکه عذر موجه داشته باشد. علمای حنبلی در این مورد دو دسته شده‌اند؛ عده‌ای سقط قبل از چهل روز را جایز و پس از آن (حتی باعذر) را حرام می‌دانند، اما در مقابل، عده‌ای تا قبل از دمیده شدن روح، سقط آن را جایز می‌دانند، اما اکثر علمای اهل سنت سقط جنین پس از دمیدن روح را مطلقاً حرام دانسته و مرتکب آن را مستوجب عقوبت می‌دانند، چون معتقدند جنین پس از دمیده شدن روح از حیات انسانی برخوردار بوده و از بین بردن آن، قتل انسان زنده محسوب می‌شود. (زیدان، ۱۴۱۵: ۱۲۳-۱۲۲)

۲.۱.۲. سقط جنین در صورت در خطر بودن سلامت مادر

آنچه که از مبانی و آرای علمای اهل سنت به دست می‌آید، اگر در صورتی که جان مادر یا سلامتی خود جنین در خطر باشد، به منظور درمان که نوعی عذر شرعی محسوب می‌شود، سقط جنین قبل از چهارماهگی را جایز می‌دانند. (غانم، ۱۴۲۱: ۱۵۷) حتی عده‌ای سقط جنین پس از دمیده شدن روح را در صورتی که دو نفر پزشک حاذق، متخصص و عادل نظر بدهند که وجود جنین حیات مادر را تهدید و یا سلامت او را به خطر می‌اندازد و این خطر، جز با سقط جنین رفع نمی‌شود جایز می‌دانند. سقط جنین در چنین حالتی متعین است، چون مادر، اصل است و دارای حیات مستقر بوده و بهره مستقل از حیات را دارد و علاوه بر آن پایه خانواده محسوب می‌شود، لذا معقول نیست که جان مادر را فدای جنین کنیم. (شلتوت، ۱۳۹۵: ۲۹۰)

۲.۱.۳. سقط جنین در صورت ناهنجاری‌های جنینی

دیدگاه فقهی اهل سنت در مورد بیماری‌ها و ناهنجاری‌های جنینی مختلف است. آنان که سقط جنین قبل از دمیده شدن روح را مطلقاً جایز می‌دانستند، در اینجا به طریق اولی جایز می‌دانند، اما آنان که سقط را قبل از چهارماهگی در صورت عذر جایز می‌دانستند، در اینجا می‌گویند جایز است، اما به شرطی که دو تن از پزشکان

متخصص تأیید کنند که این بیماری علاوه بر اینکه بدون علاج است، مسری و موجب انتقال به دیگران نیز می‌باشد، لذا عیوبی مثل کوری یا نقص عضورا نمی‌توان موجب اسقاط جنین دانست.

در مورد بیماری‌های صعب‌العلاج مثل ایدز، معتقدند چون احتمال پیشرفت علم پزشکی وجود دارد و ممکن است در آینده داروی برای بهبودی این گونه بیماری کشف شود، پس نمی‌توان حکم به جواز اسقاط جنین داد. علاوه بر آن، صددرصد مسری بودن آن نیز به اثبات نرسیده است.

اما در مورد سقط جنینی که دارای ناهنجاری است بعد از دمیده شدن روح، به نظر همه فقهای اهل سنت به هیچ وجه جایز نیست، هر چند که جنین ناقص‌الخلقه و یا به بیماری کشنده دچار باشد. (غانم، همان: ۱۸۶-۱۸۳)

۲.۱.۴. سقط جنین برای پنهان نمودن ارتکاب اعمال خلاف

با توجه به روابط گسترده زن و مرد در دنیای امروز، بخشی از انگیزه‌های سقط جنین مربوط به فحشا و روابط نامشروع می‌شود. این روابط نامشروع در مواردی چه بر اثر تجاوز به عنف و چه با رضایت، ممکن است سبب بارداری گردد. در چنین شرایطی شخص، تحت تأثیر فشارهای اخلاقی، حیثیتی، خانوادگی و اجتماعی قرار گرفته و تنها راه‌رهایی را سقط حمل خود می‌داند.

اکثر صاحب نظران اهل سنت در این مسئله معتقدند دستورات اسلام مبنی بر حفظ جان جنین، اطلاق داشته و فرقی بین جنینی که از راه مشروع حاصل شده یا از راه نامشروع، قائل نشده و دلیل آن را هم آیات و روایتی می‌دانند که در ادامه بیان می‌شود:

۱. آیه شریفه «و لا تزر وازرة وزر اخرى»؛ (اسراء: ۱۵) این آیه بیانگر این است

که شرع اجازه نمی‌دهد که به واسطه گناه کسی، زندگی و حیات موجودی

دیگر به خطر افتد؛ این، شامل تمام مراحل حمل نیز می‌شود.

۲. روایت و سیره پیامبر اسلام ﷺ که در شرح آن آمده است که زن باردار رجم نمی‌شود تا اینکه وضع حمل کند، چه اینکه حمل از زنا باشد یا غیر آن. (ابن قدامه، ۱۴۰۳: ۴۴۹/۹)

۳. اگر سقط جنینی را که از راه نامشروع حاصل می‌شود جایز بدانیم، این موضوع با مقتضای قاعده سد ذرایع تناقض دارد، زیرا اگر راه شرعی برای رهایی از بارداری کسی که از راه نامشروع باردار می‌شود، گذاشته شود در واقع عقوبت اجتماعی که عامل بازدارنده زناست، زایل شده و راه شرعی برای سقط جنین و مخفی کردن زنا و در نتیجه نشر فساد، باز می‌شود. (غانم: ۱۴۲۱/۱۷۴-۱۷۳)

در مقابل اکثریت، عده‌ای به خاطر حفظ سلامت روانی مادر و جلوگیری از اختلال نسل قائل به جواز سقط جنین، پیش از دمیدن روح هستند و آن در صورتی است که بارداری در نتیجه تجاوز به عنف باشد. (همان: ۱۷۷)

۲.۱.۵. سقط جنین برای کنترل جمعیت

از نظر فقهای اهل سنت، سقط جنین برای جلوگیری از رشد جمعیت، بعد از دمیده شدن روح، مطلقاً جایز نیست و دلیل آن را آیه شریفه «ولا تقتلوا اولادکم خشية املاق نحن نرزقکم و ایاکم» (اسراء: ۳۱) می‌دانند.

اما درباره جواز یا عدم جواز سقط قبل از دمیده شدن روح، فقهای اهل سنت دو دسته شده‌اند؛ عده‌ای قائل به حرمت سقط و عده‌ای دیگر قائل به جواز سقط شده‌اند. آنان که معتقد به جواز هستند، می‌گویند همان طور که عزل (ریختن نطفه خارج از رحم) برای تنظیم یا تحدید نسل، جایز است، سقط جنین نیز قبل از چهارماهگی جایز است، مشروط بر اینکه همسر نیز راضی باشد. (شلتوت: ۱۳۹۵/۲۹۴-۲۹۵)

۲.۲. بررسی فقهی سقط جنین از دیدگاه فقهای اهل تشیع

۲.۲.۱. سقط جنین قبل و بعد از دمیدن روح

با استناد به کتاب، سنت، اجماع و عقل می‌توان گفت که نظر کلی فقه شیعه، حرمت سقط جنین در تمامی مراحل آن است، چون فقهای شیعه معتقدند که پیدایش و تکون انسان از زمان استقرار نطفه در رحم آغاز شده و فرقی میان مراحل مختلف آن به لحاظ حکم تکلیفی که همان حرمت سقط باشد، نیست. اگر چه به لحاظ حکم وضعی، مقدار دیه با توجه به مراحل مختلف جنین، متفاوت است. آنان معتقدند که بعد از دمیده شدن روح، جنین انسان همانند سایر انسان‌هاست و قتل انسان‌ها هم به دلایل متعدد حرام است. از جمله خداوند در قرآن می‌فرماید: «و لا تقتلوا النفس التي حرم الله الا بالحق» (انعام: ۱۵۱)؛ و چون جنین نفس محترمه است، لذا قتل آن حرام است. عقل نیز سقط جنین را ظلم می‌داند، چون سقط جنین، تعدی به کسی است که توان دفاع از خود را ندارد. هر چند قبل از دمیده شدن روح، جنین انسان بالفعل نیست و سقط آن قتل نفس محسوب نمی‌شود، اما دارای حیات نباتی است و به دلیل آیات و روایات حرام است. (مکارم شیرازی: ۲۸۶/۱۴۲۲)

شیخ صدوق در کتاب «من لایحضره الفقیه» می‌فرماید:

إذا احتبس علی المرءة حیضها شهراً فلا یجوز ان تسقی دواء الطمث من یومها لان النطفة اذا وقعت فی الرحم تصیر الی علقة ثم الی ماشاء الله، و ان النطفة اذا وقعت فی غیر رحم لم یخلق منها شیء فاذا ارتفع طمئنها شهر او جاز وقتها التی کانت فیه لم تسق دواء. (صدوق، ۱۴۱۳: ۱/۱۴۸)

این عبارت ایشان بیانگر عدم جواز استفاده از دارویی است که موجب سقط و ادامه قاعدگی شود، می‌باشد.

شیخ طوسی در کتاب استبصار، حدیثی از امام صادق علیه السلام به این شرح نقل می‌کند:

عن ابی عبدالله علیه السلام فی امرئۃ شربت دواء وهی حامل لتطرح ولدها فالقت ولدها
 قال: ان كان له عظم قد نبت علیه اللحم و رشق له السمع و البصر فان علیها
 دية تسلمها الی ابيه. قال: ان كان جنینا علقۃ او مضغۃ فان علیها اربعین دینارا
 واوغرة تسلمها الی ابيه. قلت: فهی لا ترث من ولدها من دیته؟ قال: لا لانها
 قتلتته. (طوسی، ۱۳۹۰: ۴/۳۰۹)

حضرت در این روایت واژه «قتل» را به کار برده و همچنین دیه را بر عهده زن
 واجب دانسته و اینکه زن از فرزند خود ارث نمی‌برد، جملگی دلیل بر حرمت سقط
 بوده و اطلاق این روایت، بیانگر این است که سقط، چه قبل از دمیدن روح باشد و
 چه بعد از آن، در حالت عادی حرام است.
 عده‌ای از فقها گفته‌اند اینکه در شرع برای سقط جنین در تمام مراحل آن دیه قرار
 داده شده دلالت بر حرمت سقط دارد، زیرا اصل وجوب دیه این است که به سبب
 جنایت باشد، پس سقط جنین در هر مرحله که باشد حرام است. (طلعتی، ۱۳۸۳:
 ۲۹۴)

۲.۲.۲. سقط جنین برای حفظ جان مادر

سقط جنین به منظور درمان بیماری‌ها و یا موارد خاص پزشکی از جمله اموری
 است که در منابع فقهی شیعه بحثی به میان نیامده، ولی مورد توجه فقهای معاصر
 شیعه قرار گرفته است. از جمله این موارد هنگامی است که ادامه بارداری جان و
 سلامت مادر را در معرض خطر قرار می‌دهد و حفظ حیات مادر، متوقف بر سقط
 جنین است. در این هنگام سقط جنین پیش از ولوج روح از نظر فقهای شیعه جایز
 است، زیرا دوران امر بین اهم (حفظ نفس محترمه) و مهم (حرمت اسقاط جنین)
 است و به دلیل اهمیت وجوب حفظ نفس نسبت به حرمت سقط جنین، می‌توان
 برای رفع خطر جانی از مادر به سقط جنین اقدام کرد. (خرازی، ۱۴۲۰: ۷۳)
 همچنین قاعده نفی حرج، رافع حرمت سقط قبل از ولوج روح است و شامل قول
 خداوند است که می‌فرماید: «ما جعل علیکم فی الدین من حرج...» (حج: ۷۸)،

زیرا خطری که مادر را تهدید می‌کند و حرج تحمل‌ناپذیر این اجازه را به ما می‌دهد که بگوییم، سقط پیش از چهار ماه حرام نباشد. (صانعی، ۱۳۷۶: ۱۰۷)

اگر خوف، نسبت به خطر جانی برای مادر حاصل گردد بنا بر سیره عقلا که خوف را طریق به واقع می‌دانند، سقط جایز است، چون وقتی ادامه بارداری، سلامت مادر را تهدید می‌کند به گونه‌ای که مادر به بیماری سخت یا نقص عضو و مانند این‌ها دچار گردد و درمان وی متوقف بر سقط جنین یا منجر به آن گردد، در این صورت نیز سقط پیش از ولوج روح جایز است، زیرا میان وجوب معالجه مادر به جهت سلامت وی و حرمت سقط جنین تراحم واقع می‌شود و چون معالجه مادر، مهم‌تر از حفظ حیات جنین است، معالجه به وسیله سقط جایز است. (مکارم شیرازی، ۱۴۱۹: ۳۴)

برای سقط جنین پس از دمیده شدن روح به منظور حفظ جان مادر یا سلامت وی دو نظر وجود دارد؛ عده‌ای قائل به عدم جواز سقط جنین پس از ولوج روح شده‌اند و معتقدند که جنین، دارای روح و نفس محترمه است و با انسان دیگری که دارای نفس محترمه است، تفاوتی ندارد. بنابراین برای حفظ یکی از آن دو، کشتن دیگری جایز نیست و برای این گفته خود به این روایت استناد کرده‌اند که امام علیه السلام می‌فرماید: «انما جعلت التقیة لیحقن بها الدم، فإذا بلغت التقیة الدم فلا تقیة...»، یعنی تقیه قرار داده شده است برای آنکه جان انسان به واسطه آن حفظ شود، پس هرگاه تقیه موجب کشته شدن دیگری شود، تقیه جایز نیست. (حر عاملی، بی تا: ۴۸۳/۶)

به این ترتیب می‌شود فهمید که عناوین تقیه، ضرورت و اضطرار و مانند این‌ها، مجوز برای کشتن غیر نمی‌باشد. (خرازی، ۱۴۲۰: ۷۳)

صاحب جواهر در این مورد گفته، واجب است آن دو را رها کرده و منتظر قضا و قدر الهی شد، زیرا خداوند به مصالح بندگان آگاه است. (نجفی، بی تا: ۴/۳۷۸)

پس می‌شود نتیجه گرفت که این گروه وقتی سقط جنین به منظور حفظ جان مادر را جایز ندانند، به طریق اولی سقط به منظور سلامت مادر را جایز نمی‌دانند. اما کسانی که قائل به جواز سقط جنین به منظور حفظ جان مادر پس از ولوج روح هستند، مبانی متفاوتی دارند:

۱. گروهی معتقدند که مادر برای دفاع از جان خویش می‌تواند جنینی را که قصد کشتن او را دارد از بین ببرد و آن را از مصادیق دفاع مشروع شمرده‌اند و می‌گویند فرقی بین اینکه هجوم از ناحیه عامل خارجی باشد یا از ناحیه عامل داخلی نیست. (حسینی شیرازی، ۱۴۰۹: ۸۱/۲۹)

۲. گروهی نیز بنابر قاعده تراحم، مادر را مجاز به سقط جنین می‌دانند زیرا امر دوران دارد بین دو محذور، یعنی وجوب حفظ نفس خود و حرمت قتل نفس (جنین) و عدم ترجیح یکی از دو طرف به حکم عقل که در اینجا، مادر بین حفظ نفس خود و سقط جنین مخیر است. (خویی، ۱۴۱۶: ۱/۳۳۳)

۳. گروهی نیز عقیده دارند که بنا بر قاعده اضطرار، حرمت سقط جنین رفع می‌شود و برای این نظر خود به این ادله استناد کرده‌اند که اولاً خداوند می‌فرماید: «فمن اضطرّ فی مخمصة غیر متجانف لإثم فان الله غفور الرحیم» (مائت: ۳). دوم اینکه حدیث نبوی می‌فرماید: «رفع عن امتی تسع... و ما اضطرّ الیه...». دلیل سوم هم بنای عقلاست که مادر را مخیر بین حفظ جان خود و یا حفظ جنین می‌دانند. (خرازی، ۱۴۲۰: ۷۶)

امام خمینی علیه السلام در موردی که امر دایر باشد بین حفظ جان یکی از او و نفر، یعنی مادر و جنین، فرمودند: «اگر ترجیح وجود ندارد و علم به تلف شدن هر دو است، امکان حفظ احدهما مورد قرعه است» اما در صورتی که با حفظ جنین، یقین به فوت مادر و احتمال بقای جنین باشد، امام علیه السلام سقط جنین را جایز دانسته‌اند. در صورتی هم که علم و یقین نباشد، بلکه تنها خوف موت مادر باشد، امام علیه السلام فرمودند: «در صورت خوف، سقط محل اشکال است، بلکه عدم جواز ارجح است».

امام علیه السلام در مواردی که سقط جنین را جایز یا لازم دانسته‌اند، اجازه کسی را معتبر ندانسته و فرمودند: «برای حفظ نفس محترمه، اجازه کسی معتبر نیست». (مهرپور، ۱۳۷۱: ۲۲۹)

آیت الله سیستانی، اسقاط بعد از ولوج را مطلقاً جایز نمی‌داند و می‌فرماید: «اسقاط حمل بعد از ولوج روح به هیچ سبب و دلیلی، بر زن جایز نیست، ولی قبل از ولوج روح در صورتی که ادامه حمل برای مادر، ضرر یا حرج تحمل نکردنی داشته باشد، جایز است». (حکیم، ۱۴۱۹: ۲۶۳)

۲.۲.۳. سقط جنین در بیماری‌ها و ناهنجاری‌های جنینی

بیماری‌ها و ناهنجاری‌های جنینی که ممکن است موجب تولد جنین ناقص الخلقه شود از انگیزه‌های دیگر سقط جنین است که فقهای شیعه نظرات گوناگونی را در این مورد مطرح کرده‌اند:

گروهی به جواز سقط جنین ناقص الخلقه پیش از دمیده شدن روح قائل‌اند و آن هنگامی است که به نقص عضو جنین برای انسان علم یا ظن نزدیک به علم حاصل و این معلولیت موجب حرج بر خانواده و اجتماع گردد. بر اساس این دیدگاه به دلیل قاعده نفی عسر و حرج یا نفی ضرر، سقط جنین پیش از ولوج روح جایز است. (مکارم شیرازی، ۱۴۱۹: ۳۵)

آیت الله مکارم شیرازی در این موارد فرمودند:

هر گاه جنین در مراحل ابتدایی باشد و جنین به صورت انسان کامل در نیامده باشد و باقی ماندن جنین در آن حالت و سپس تولد ناقص آن باعث عسر و حرج شدید برای پدر و مادر گردد، سقط با این شرط مانعی ندارد. (علیان‌نژاد: ۱۳۸۱: ۱/۴۵۳)

و در مورد بیماری ایدز اگر علم به ابتلای جنین به این بیماری پیش از دمیده شدن روح باشد نیز بنا بر قاعده نفی حرج جایز است.

امام خمینی علیه السلام نیز در موردی که اگر تشخیص داده شود، جنین در صورت رشد و تولد ناقص العضو و یا ناقص الخلقه خواهد بود حکم به عدم جواز آن داده‌اند. (امام خمینی، ۱۳۸۱: ۳/۲۹۰)

اما بعد از دمیده شدن روح طبق نظر بیشتر فقهای امامیه سقط جنین حرام است، هر چند حرج شدیدی بر پدر و مادر وارد شود، زیرا انسان زنده بر آن اطلاق می‌شود و همان‌طور که کشتن انسان ناقص الخلقه پس از ولادت جایز نیست قبل از ولادت و پس از ولوج روح و صدق انسان کامل بر آن جایز نیست، زیرا ادله حرمت قتل جنین عمومیت دارد و جنین سالم و ناقص الخلقه را پس از نفخ روح شامل می‌شود.

گروهی از فقهای شیعه بنا بر قاعده نفی حرج «والضرورات تبيح المحظورات» قائل هستند به جواز سقط جنین ناقص الخلقه پس از ولوج روح و نیز میان حرمت سقط جنین و فرزندى که زنده به دنیا می‌آید تفاوت قائل اند. (مکارم شیرازی، ۱۴۱۹: ۳۶-۳۷)

۲.۲.۴. سقط جنین برای پنهان کردن اعمال خلاف

فقهای امامیه به اتفاق سقط جنین حاصل از زنا را در تمام مراحل از زمان انعقاد نطفه تا زمان وضع حمل حرام می‌دانند. در واقع به دلیل اطلاق ادله حرمت سقط جنین، فرقی بین جنین حاصل از راه مشروع و نامشروع نیست و سقط آن در هر دو صورت حرام است. امام خمینی علیه السلام می‌فرماید: «اگر زنی از زنا آستن شود، جایز نیست بچه اش را سقط کند». (امام خمینی، ۱۳۶۶: ۳۶۶)

اما با وجود این به نظر برخی در بارداری‌های نامشروع حاصل از تجاوز به عنف به دلیل حرج شدیدی که بر این حمل مترتب می‌شود، سقط جنین پیش از ولوج روح جایز است، زیرا کسانی که به این شکل باردار می‌شوند در وضعیت شدید بحرانی و ناراحتی‌های اجتماعی قرار می‌گیرند، اما گاهی شدت این بحران به حدی می‌رسد که شخص دست به خودکشی می‌زند که در این حالت حتی سقط جنین بعد از ولوج روح نیز جایز است. (فضل الله، ۱۴۱۷: ۴۳۸/۲)

آیت الله مکارم شیرازی در مورد جنین حاصل از زناى به عنف می‌فرماید: «سقط جنین جایز نیست، مگر اینکه نگهداری آن جنین منجر به بیماری شدید مادر و کسالت روانی او گردد، که در این صورت می‌توان به حاملگی او پایان داد؛ مشروط به اینکه جنین در ماه‌های اولیه باشد». (علیان‌نژاد: ۱۳۸۱: ۵۷۶/۲)

۲.۲.۵. سقط جنین به انگیزه کنترل جمعیت

بر اساس نظریه قبلی کارشناسان علوم اجتماعی و اقتصادی، ازدیاد جمعیت سبب بروز مشکلات زیادی می‌شود، بنابراین کنترل آن از مسائل ضروری زندگی بشر محسوب می‌شد که این موضوع نمی‌تواند مجوز سقط جنین باشد. بنابراین سقط

جنین به انگیزه جلوگیری از رشد جمعیت از نظر فتاوی فقهای شیعه به هیچ وجه جایز نیست. آیت الله خامنه‌ای می‌فرماید: «سقط جنین به مجرد وجود مشکلات و سختیهای اقتصادی جایز نمی‌شود». (خامنه‌ای: ۱۳۸۲: ۳۰۰) علاوه بر اینکه سقط، برای مادر ضررهای زیادی دارد از طرفی راه‌های پیشگیری از بارداری و افزایش روش‌های مؤثر ضدبارداری، منجر به کاهش زاد و ولد و در نتیجه کنترل و کاهش جمعیت می‌گردد که این نظریه خلاف دستور اسلام است.

۳.۲. حکم وضعی سقط جنین در مذهب اهل تسنن

آنچه بین فقهای سنی در این مسئله مورد اتفاق است این است که در صورتی که جنایتی بر روی جنینی صورت بگیرد و جنین بر اثر آن سقط شود، بر شخص جانی واجب است تا دیه آن را که در اصطلاح «غره» گفته می‌شود، پردازد. (ابن قدامه، ۱۴۰۳: ۵۳۶/۹)

دلیل آن هم روایاتی از جمله روایت ابوهریره است که از پیامبر اسلام نقل کرده که «أن امرأتین من هذیل رمت احدهما الاخری فطرح جنینها ففضی فیہ النبی ﷺ بغرة عبد او أمه». (مسلم، بی تا: ۱۱/۱۷۵)

این روایت بیانگر وجوب دیه بر جنین است، اما وجوب دیه مشروط به چند امر است؛ اولاً جنین در اثر جنایت مرده به دنیا آید. ثانیاً سقط عمدی باشد. ثالثاً مانعی برای وجوب دیه بر مرتکب نباشد. مثلاً هنگامی که مرد همسر خود را به جهت نشوز تأدیپ کند و در این امر اسراف ننماید و جنین وی سقط گردد، ضامن نیست. (زیدان، ۱۴۱۵: ۴۰۲/۳)

اما در مورد اینکه جنایت بر جنین در چه مرحله‌ای دیه خواهد داشت، فقهای اهل سنت اختلاف نظر دارند. فقهای حنفی، شافعی و حنبلی قائل اند به اینکه جنین وقتی از مرحله «مضغه» تجاوز کرده باشد غره واجب است، اما وقتی آنچه سقط می‌شود صورت انسانی نداشته باشد و خلقت آن آشکار نباشد، غره ثابت نمی‌شود، زیرا لفظ ولد به آن اطلاق نمی‌شود. اما در مقابل، گروهی از فقهای اهل سنت قائل اند به اینکه آنچه سقط می‌شود اگر چه صورت آدمی نداشته باشد، اما چون مبدأ خلق آدمی است، پس غره ثابت است. (ابن قدامه، ۱۴۰۳: ۵۳۹/۹)

از نظر فقهای شافعی و حنفی، پرداخت دیه به عهده عاقله جانی است، چون جنایت عمدی بر مادر و خطا بر جنین صورت گرفته است (الرملی، ۱۴۱۴: ۷/۳۸۲)، اما از نظر فقهای حنبلی و مالکی، دیه جنین بر خود جانی است، چون کمتر از یک سوم دیه کامل است و عاقله متحمل دیه کمتر از یک سوم نمی‌شود. (ابن قدامه، ۱۴۰۳: ۹/۵۴۴)

در مورد قصاص جانی، هنگام سقط عمدی به اجماع فقهای حنفیه، شافعیه، حنابله و مالکیه به جز ابن جوزی از حنابله و ابن قاسم از مالکیه، قصاص را در سقط عمدی جنین ثابت نمی‌دانند؛ به این اعتبار که سقط عمدی جنین مانند خطاست و جنین بر اثر ضربه دیگری می‌میرد. دلیل دیگر اینکه جنین، نفس کاملی نیست، زیرا او در حکم جزئی از مادر است و سزاوار اینکه حقی برای او ثابت باشد نیست.

ابن جوزی، فقیه حنبلی قصاص را در سقط عمدی جنین، مانند قتل نفس معتبر دانسته و بیان داشته است: «إذا تعمدت المرثة إسقاط ما فيه روح كان قتل مؤمن». (غانم، ۱۴۲۱: ۱۸۹) وی در این باره استناد به کلام خداوند کرده که می‌فرماید: «وإذا الموءودة سئلت بأی ذنب قتلت». (تکویر: ۹-۸)

فقهای اهل تسنن به اتفاق معتقدند که گیرنده دیه جنین، وارث اوست و جانی اگر وارث باشد ارث نمی‌برد (البهوتی، ۱۴۲۰: ۶/۲۴)، اما در ثبوت کفاره، شافعیه و حنابله هنگام جنایت بر جنین کفاره را واجب می‌دانند، چون قتل نفس محترمه است، اما مالکی و حنفی کفاره را واجب نمی‌دانند، بلکه آن را مستحب می‌شمارند. مستند آنان نیز عدم قضاوت پیامبر اکرم ﷺ به آن است. (زیدان، ۱۴۱۵: ۳/۴۱۲)

۴.۲. حکم وضعی سقط جنین در مذهب اهل تشیع

از دیدگاه فقه شیعه در صورت جنایت بر جنین به اجماع فقها پرداخت دیه واجب و قول مشهور تقسیم کردن دیه به مراتب آن یعنی حالات مختلف نطفه از ابتدا تا تمام شدن خلقت جنین است. پس در مرحله نطفه، ۲۰ دینار، علقه ۴۰ دینار، مضغه ۶۰ دینار و عظام ۸۰ دینار و در صورتی که تام‌الخلقه باشد، ولی روح در آن دمیده نشده باشد ۱۰۰ دینار، اما اگر روح در آن دمیده شده باشد برای پسر دیه کامل و برای دختر نصف آن است و اگر جنین دوقلو و یا چندقلو باشد دیه تکرار می‌شود

و در سقط عمد و شبه عمد، دیه جنین بر عهده جانی و اگر خطا باشد بر عاقله اوست. (حلی، ۱۳۶۸: ۴/۲۰۱۵؛ امام خمینی، ۱۳۹۰: ۲/۵۹۷)

دلیل مشهور بر این تقسیم‌بندی، روایات متعدد است، از جمله روایتی از ابی‌عبدالله^ع، ابی‌الحسن الرضا^ع و امیرالمؤمنین علی^ع که از ایشان نقل شده است:

جعل دية الجنين مائة دينار و جعل من الرجل الى أن يكون جنينا خمسة أجزاء فإذا كان جنينا قبل أن تلجه الروح مائة دينار... و المائة دينار خمسة أجزاء؛ للنطفه خمس المائة عشرين دينارا و للعلقة خمس المائة اربعين دينارا و للمضغه ثلاثه اخماس المائة ستين دينارا و للعظم أربعة اخماس الدية ثمانين دينارا فإذا كسى اللحم كانت له مائة دينار كامله فإذا أنشأ فيه آخر و هو الروح فهو حينئذ نفس فيه ألف دينار دية كامله ان كان ذكرا و ان كان انثى فخمسمائة دينار. (نجفی، بی تا: ۴۳/۳۵۶)

اما حکم به قصاص و کفاره در هنگام جنایت بر جنین چگونه است؟ فقهای شیعه، در صورت اسقاط عمدی جنین بعد از ولوج روح، پرداخت کفاره را هم چون دیه، بر مباشر سقط، واجب دانسته‌اند.

امام خمینی^ع می‌فرمایند: «کفاره و دیه کامل بر مجرم واجب است بعد از علم به حیات و نفخ روح ولو با گواهی دو متخصص عادل». (امام خمینی: همان) اما قصاص قبل از نفخ روح ثابت نیست، زیرا موضوع قصاص که همان، ازهاق نفس محترمه می‌باشد، منتفی است، اما در مورد قصاص جانی بعد از نفخ روح اختلاف نظر است.

برخی از فقهای شیعه، قائل به قصاص شده‌اند. صاحب جواهر در این باره می‌فرماید:

اگر کسی ضربه‌ای عمدی به زنی بزند و زن جنین را سقط کند و جنین بمیرد، قصاص می‌شود به خاطر تحقق موضوع قصاص که آن، ازهاق نفس محترمه است خواه حیات مستقر باشد یا نه. چون قتل انسان کامل است و کفاره نیز واجب است. (نجفی: همان)

گروهی از فقها، قائل به عدم ثبوت قصاص شده‌اند و فقط پرداخت دیه را واجب دانسته‌اند. صاحب شرایع می‌فرماید: «اگر زن حمل خود را بالمباشر یا بالتسبیب ساقط کند پس دیه سقط، بر عهده‌ی اوست و نصیبی از این دیه نمی‌برد. (حلی، همان: ۲۰۱۸)

از حضرت ابی عبد الله علیه السلام در مورد زن بارداری که دارویی می‌نوشد تا حمل خود را سقط کند روایت شده است که فرمودند: «إن كان له عظم قد نبت عليه اللحم و شق له السمع و البصر فإن عليها دية تسلمها الى ابیه... قلت فهی لا ترث من ولدها من دية؟ قال: لا لأنها قتلتها». (صدوق، ۱۴۱۳: ۱۲۱/۴)

این روایت تصریح به قوع جنایت عمدی بر جنین کامل و پرداخت دیه دارد و دلالتی بر قصاص ندارد. حال اگر قصاص واجب بود لازم می‌آمد که در این روایت که معتبر السند است به آن اشاره گردد. همچنین این مسئله، یعنی ثبوت قصاص از موارد شبهه است و حدود و قصاص هنگام شبهه منتفی می‌باشند. (مکارم شیرازی: ۱۴۲۲: ۲۹۱)

۳. بررسی حقوقی سقط جنین

پدیده سقط جنین و موارد تجویز آن در نظام‌های حقوقی دنیا یکسان نیست، بلکه هر یک متناسب با ارزش‌های حاکم بر جامعه خود به گونه‌ای متفاوت با آن برخورد کرده‌اند؛ برخی مطلقاً ممنوع، برخی مطلقاً تجویز و برخی تحت شرایطی اجازه داده‌اند.

ممنوعیت مطلق سقط جنین از کهن‌ترین دیدگاه‌های افراطی و تحت تأثیر دیدگاه‌های مذهبی و اخلاقی است و به حق حیات جنین و انسان کامل بودن آن توجه دارد و سقط آن را در همه موقعیت‌ها از لحاظ اخلاقی ناپسند و قتل فرد بی‌گناه می‌داند.

در کشورهای اندکی همچون ایرلند، یونان و فیلیپین، سقط جنین قانونی نیست و در جمهوری ایرلند سقط حتی به خاطر نجات جان مادر ممنوع است و کشور مالی به دلیل کمی زاد و ولد سقط را عملاً ممنوع اعلام کرد. (عباسی، ۱۳۸۲: ۶۳)

در مقابل کشورهایی هستند که سقط جنین را مطلقاً آزاد کرده‌اند و پیوسته به حق حیات مادر و تقدم آن بر حق حیات جنین توجه و حقوق زنان را مطرح می‌کنند. در حقوق آمریکا و آلمان تقاضای زن و موافقت پزشک برای تجویز سقط، در سه ماهه اول بارداری کافی است و جدیدترین بررسی‌ها نشان می‌دهد که آمریکا از زمره کشورهای است که آمار سقط جنین در آن به صورت وحشتناکی بالا رفته است. به طوری که در سال ۱۹۹۰ حدود ۱/۵ میلیون سقط عمدی به صورت رسمی در این کشور ثبت شده است.

در واقع تا سال ۱۹۸۰ سقط قانونی شایع‌ترین کار جراحی در ایالات متحده محسوب شده است. در کشورهای آمریکای لاتین هم وضع به همین منوال است. در کشورهای آفریقایی نیز برخی آمارهای اعلام شده از درصد بالای سقط جنین در این کشورها خبر می‌دهد. (محقق داماد، ۱۳۷۳: ۱۶۳/۵ و ۱۵۲)

گروه عظیمی از کشورها نگاه نسبی به مسئله سقط جنین دارند و در اوضاع خاصی سقط را قانونی دانسته و خارج از آن ممنوع و قابل کیفر می‌دانند. کشورهای اسلامی و کشورهای استرالیا، لهستان، ایتالیا و مکزیک از جمله این کشورها هستند. (عباسی، ۱۳۸۲: ۶۴)

۳. ۱. سقط جنین و مجازات آن در حقوق ایران

در نظام حقوقی ایران در ماده ۳۰۶ و مواد ۶۲۲-۶۲۴ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ جنایت عمدی بر جنین را مطرح نموده و در مواد ۷۱۶-۷۱۹ دیه مراحل مختلف جنین را بیان کرده است که به ترتیب ذیل می‌باشد:

أ) نطفه‌ای که در رحم مستقر شده است، دو صدم دیه کامل.
 ب) علقه، که در آن جنین به صورت خون بسته در می‌آید، چهار صدم دیه کامل.
 پ) مضغه، که در آن جنین به صورت توده گوشتی در می‌آید، شش صدم دیه کامل.

ت) عظام، که در آن جنین به صورت استخوان درآمده، لیکن هنوز گوشت روئیده نشده است، هشت صدم دیه کامل.

ث) جنینی که گوشت و استخوان بندی آن تمام شده، ولی روح در آن دمیده نشده است، یک دهم دیه کامل.

ج) دیه جنینی که روح در آن دمیده شده است، اگر پسر باشد دیه کامل و اگر دختر باشد نصف آن و اگر مشتبّه باشد، سه چهارم دیه کامل. در ماده ۷۱۷ آمده است که هر گاه در اثر جنایت وارد بر مادر، جنین از بین برود، علاوه بر دیه یا ارش جنایت بر مادر، دیه جنین نیز در هر مرحله از رشد که باشد پرداخت می‌شود.

اگر زنی جنین خود را به صورت عمدی یا شبه عمد از بین ببرد، دیه توسط خود مادر و اگر به صورت خطا از بین ببرد، دیه به عهده عاقله او خواهد بود. فقط در یک صورت جنین دیه ندارد آن هم در صورتی است که وجود جنین برای مادر خطر جانی داشته باشد و برای حفظ نفس مادر، سقط شود. (غفورثانی، ۱۳۹۳)

البته در مواد ۱۸۰-۱۸۳ قانون مجازات‌های عمومی قبل از انقلاب آمده بود که تنها سقط جنین به منظور حفظ جان مادر از مجازات معاف گردید، اما در اصلاحیه آن آیین‌نامه‌ای به تصویب رسید که ایران آزادی مطلق سقط جنین را بدون هیچ قیدی پذیرفت، اما به دنبال فسادهای اجرایی آیین‌نامه مزبور و فشارهایی که توسط محافل مذهبی وارد می‌شد، چندان به آن عمل نشد تا اینکه با اوج‌گیری انقلاب اسلامی رسماً لغو گردید. (طلعتی، ۱۳۸۳: ۳۵۶)

اما پس از انقلاب اسلامی در نظام حقوقی ایران احکام اسلامی جایگزین مقررات قبلی شد. همان طور که اشاره شد در این نظام حقوقی سقط عمدی جنین به طور کلی از زمان انعقاد نطفه تا لحظه تولد جرم و مجازات دارد.

ماده‌ی ۶۲۲ تعزیرات مقرر می‌دارد: «هر کس عالماً و عامداً به واسطه ضرب یا اذیت زن حامله موجب سقط جنین وی شود علاوه بر پرداخت دیه یا قصاص، حسب مورد به حبس از یک سال تا سه سال محکوم خواهد شد».

همچنین ماده ۶۲۳ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد:

هر کس به واسطه دادن ادویه و یا وسایل دیگر موجب سقط جنین زن گردد به شش ماه تا یک سال حبس محکوم می‌شود و اگر عالماً و عامداً زن حامله‌ای

را دلالت به استعمال ادویه یا وسایل دیگری نماید که جنین وی سقط گردد به حبس از سه تا شش ماه محکوم خواهد شد، مگر اینکه ثابت شود این اقدام برای حفظ حیات مادر می‌باشد و در هر مورد، حکم به پرداخت دیه مطابق مقررات مربوط داده خواهد شد. (غفور ثانی، همان)

این ماده، سقط به وسیله افراد غیر متخصص با وسایل فیزیکی و شیمیایی را بیان می‌دارد که با رضایت زن اقدام به سقط می‌نمایند.

ماده ۶۲۴ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد:

اگر طبیب یا ماما یا دارو فروش و اشخاصی که به عنوان طبابت یا مامایی یا جراحی یا دارو فروشی اقدام می‌کنند وسایل سقط جنین فراهم سازند و یا مباشرت به اسقاط جنین نمایند به حبس از دو تا پنج سال محکوم خواهند شد و حکم به پرداخت دیه مطابق مقررات مربوط صورت خواهد پذیرفت. (همان)

لازم به ذکر است که ارتکاب جنایت تا قبل از حلول روح در جنین از موضوع قتل خارج بوده، زیرا هیچ یک از حقوق دانان اسلامی به حیات مستقل جنین در مراحل مذکور قائل نیستند و در موارد عمد، علاوه بر دیه طبق ماده ۶۲۲ تا ۶۲۴ به تعزیر محکوم می‌شود. (صادقی، ۱۳۷۸: ۴۷)

اما اگر روح دمیده باشد، مرتکب سقط عمدی طبق ماده‌ی ۶۲۲ به قصاص یا دیه و زندان محکوم می‌شود.

۳.۲. موارد مجاز سقط جنین در نظام حقوقی ایران

طبق نظر شورای نگهبان و دستور العمل قضایی جواز سقط جنین برای سلامت مادر به طور مطلق نیست و صور گوناگونی دارد:

۱. در صورتی که ادامه بارداری برای مادر خطرناک باشد یا موجب تشدید مرض و وخامت حال او گردد، سقط جنین قبل از ولوج روح، با رضایت همسر و زن و موافقت نامه مقام قضایی و اظهار نظر پزشکی قانونی مبنی

بر لزوم قطع بارداری جایز است (گودرزی، ۱۳۷۲: ۵۹۴)، اما پس از دمیده شدن روح اگر امر دایر باشد بین حفظ یکی از آنها به این صورت که اگر اقدامی نشود یا مادر جان سالم می‌برد یا جنین، سقط برای حفظ جان مادر جایز نیست و سایر موارد نیز باید مشخص شود و حکم مطابق موضوع تعیین گردد. (گلدوزیان، ۱۳۷۲: ۱۸۶)

۲. در مورد ناهنجاری‌های جنینی که منجر به مرگ جنین در داخل رحم یا مرگ نوزاد بلافاصله بعد از تولد می‌شود و قابل پیشگیری نیست مثل اختلال کروموزومی، آلفا تالاسمی و... قبل از ولوج روح با درخواست صدور مجوز سقط جنین، تنها در ادارات کل پزشکی قانونی مرکز استان‌ها با دستور مقام قضایی، با درخواست زوجین و معرفی نامه پزشک صورت می‌گیرد، ولی باید دیه سقط جنین پرداخت شود.

۳.۳. سقط جنین و مجازات آن در حقوق افغانستان

در نظام حقوقی افغانستان در مواد ۵۶۹-۵۷۴ کود جزا به موضوع اسقاط جنین پرداخته و تعرض بر جنین را جرم‌انگاری نموده و می‌گوید:

جنین، انسان بالقوه‌ای است که حق نمو طبیعی در رحم مادر تا زمان تولد طبیعی را دارد و هدف اصلی قانونگذار در جرم‌انگاری اسقاط جنین، حمایت از جنین و حق نمو طبیعی وی در رحم مادر تا موعد معین ولادت می‌باشد.

به همین جهت در بند ۱ ماده ۵۶۹ مقرر می‌دارد که: «شخصی که عمداً جنین زن حامله را از بین ببرد یا آن را قبل از موعد طبیعی تولد بیرون آورد، مرتکب جرم اسقاط جنین می‌گردد».

از این ماده چنین معلوم می‌شود که جرم اسقاط جنین دو حالت عمده دارد؛ حالتی که عمل عمدی، باعث اخراج جنین از رحم قبل از موعد ولادت طبیعی گردد و حالت دوم، از بین بردن جنین در داخل رحم مادر می‌باشد، که حالت اول بسیار

شایع بوده و اکثراً در این حالت جنین بعد از مدت کوتاهی فوت می‌نماید. اما حالت دوم، کمتر اتفاق افتاده، ولی بعد از بین رفتن جنین در رحم مادر، جنین باید از رحم خارج شود چون ممکن است وجود آن، برای سلامتی مادر خطرناک باشد.

از کتاب شرح کود جزا این گونه استفاده می‌شود که عنصر مادی در تحقق سقط جنین، از بین بردن جنین زن حامله بر اثر فعل مرتکب است به طوری که بین عمل مجرمانه و نتیجه آن، رابطه سببیت وجود داشته باشد، اما اگر بین فعل مرتکب و نتیجه رابطه سببیت برقرار نباشد، جرمی صورت نگرفته است. ضمن اینکه نوع فعل مجرمانه که باعث اسقاط جنین گردد، در تحقق جرم ملاک نبوده بلکه به هر نوع فعل، از قبیل ترساندن، ضربه زدن و یا استفاده از ادویه که باعث اسقاط جنین گردد، جرم تحقق پیدا می‌کند، زیرا نتیجه عمل، مهم است. (کود جزا، ۳/ ۲۶۰)

عنصر معنوی در سقط جنین، عبارت از قصد مجرمانه مرتکب است، یعنی مرتکب، با علم به حامله بودن زن، رفتار مجرمانه را انجام دهد، اما اگر سقط جنین در نتیجه یک عمل مجرمانه نباشد، بلکه مطابق یک امر قانونی، مثل حفظ حیات مادر صورت گیرد، جرم نمی‌باشد.

۳.۴. دیه جنین در قانون مجازات افغانستان

با توجه به اینکه قانون جزای افغانستان در ماده ۱ به صراحت بیان می‌کند که «این قانون جرایم و جزاهای تعزیری را تنظیم می‌نماید. مرتکب جرایم حدود، قصاص و دیت مطابق احکام فقه حنفی شریعت اسلام مجازات می‌گردد».

همچنین بدون اشاره به مراحل رشد جنین و میزان دیه آن، در بند ۲ ماده ۵۶۹ مقرر می‌دارد: «هرگاه در جرم اسقاط جنین شرایط اقامه دیت تکمیل نگردد یا به نحوی از انحاء ساقط شود، مرتکب، مطابق احکام این فصل مجازات می‌گردد».

هر چند که در قانون فوق، از مراحل مختلف رشد جنین و میزان دیه آن، سخن به میان نیامده است، ولی در کتاب شرح کود جزا صراحتاً بیان می‌کند که از نظر دانشمندان اسلامی جنین به موجودی اطلاق می‌گردد که اندام‌های آن تا حدی رشد نموده باشد که معلوم شود «طفل» است. (همان: ۲۹۵) لذا دیه به جنینی تعلق

می‌گیرد که شکل انسانی داشته باشد، اما اگر جنین در مراحل قبل از آن باشد، دیه نداشته و مرتکب فقط مجازات می‌شود.

کلمه «دیت» در قانون فوق در لغت به معنی «خون بها» بوده و در اصطلاح عبارت از مالی است که شخص جانی یا فامیلش و یا از بیت‌المال به مجنی‌علیه و یا به اولیانش می‌دهد که بر اساس کتاب شرح کود جزا، دیه جنین در قانون مجازات افغانستان، پنج شتر یا ۵۰ دینار و یا ۵۰۰ درهم می‌باشد. (همان: ۲۶۲)

۳. ۴. ۱. مجازات سقط جنین:

در قانون جزای افغانستان، مجازات اسقاط جنین با توجه به نوع عمل و شخص مرتکب، مختلف است که به ترتیب بیان می‌شود:

۱. اسقاط جنین بر اثر ضربه

در ماده ۵۷۰ مقرر می‌دارد: «شخصی که عمداً جنین زن حامله را از طریق ضرب یا هر نوع اذیت دیگر اسقاط نماید، به حبس طویل تا هفت سال، محکوم می‌گردد».

۲. اسقاط جنین بر اثر دادن ادویه توسط افراد

در بندهای ۱ تا ۴ ماده ۵۷۱ کود جزا مقرر می‌دارد:

شخصی که عمداً به وسیله دادن ادویه یا سایر وسایل، موجب اسقاط جنین شود، اگر چند بارضایت زن صورت گرفته باشد، به حبس متوسط محکوم می‌شود. که اگر اسقاط‌کننده طبیب، جراح، دواساز یا قابله باشد، به حبس متوسط بیش از دو سال و اگر دارو باحسن نیت یا به اشتباه داده شود، مرتکب به جزای نقدی از سی هزار تا شصت هزار افغانی محکوم می‌شود، ولی اگر اسقاط جنین به جهت نجات جان مادر یا تجویز طبیب به منظور تداوی صورت گرفته باشد، فاعل مجازات نمی‌شود.

۳. اسقاط جنین با رضایت مادر

در ماده ۵۷۲ کود جزا، قانونگذار به جهت حمایت از حقوق جنین، اسقاط آن را جرم انگاری نموده و به همین جهت اگر اسقاط، توسط خود مادر یا با رضایت او صورت گیرد، مادر، مستحق مجازات شمرده شده و مقرر می‌دارد:

هر گاه زن حامله با وجود علم به نتیجه عمل، عمداً به خوردن ادویه یا استعمال دیگر وسایل راضی شود یا خود عمداً به این عمل مبادرت یا به شخص دیگری اجازه استعمال وسایل متذکره را بدهد و بر اثر آن اسقاط جنین واقع گردد، به حبس قصیر یا جزای نقدی از سی هزار تا شصت هزار افغانی محکوم می‌گردد.

۳.۴.۲. حالت مشدده مجازات جرم اسقاط جنین

با وجود اینکه در کود جزا، سقط جنین جرم انگاری شده و برای مرتکب مجازات در نظر گرفته شده است، ولی در یک مورد مجازات شدیدتری برای این جرم پیش‌بینی شده است؛ آن در جایی است که ارتکاب این جرم، منجر به عقیم شدن زن حامله گردد.

«عقیم» در لغت به معنی نازاینده است و به کسی اطلاق می‌شود که توان اولاد پیدا کردن را نداشته باشد. (دهخدا، ذیل واژه)

این اصطلاح هر چند که برای هر یک از زن و مرد اطلاق می‌شود، ولی استعمال این اصطلاح در کشور افغانستان بیشتر برای زنان معمول می‌باشد. کود جزا برای زنی که در اثر جرم اسقاط جنین توانایی حمل گرفتن و تولید مثل را از دست بدهد، مجازات حداکثری را پیش‌بینی نموده و دلیل شدت مجازات به خاطر این است که مرتکب، علاوه بر جرم سقط جنین، حق داشتن فرزند و تولید مثل را نیز از زن گرفته است. به همین جهت در ماده ۵۷۴ مقرر می‌دارد: «هرگاه سقط جنین منجر به عقیم شدن زن گردیده باشد، مرتکب به حداکثر جزای پیش‌بینی شده این فصل، محکوم می‌گردد».

۳.۴.۳. موارد مجاز سقط جنین در نظام حقوقی افغانستان

موارد مجاز سقط جنین در نظام حقوقی افغانستان، در بند ۴ ماده ۵۷۱ کود جزا بیان شده است، چنان که می‌گوید: «هرگاه اسقاط جنین به منظور نجات دادن حیات مادر یا تجویز طبیب به منظور تداوی صورت گرفته باشد، فاعل مجازات نمی‌گردد».

چنان که اشاره شد، در بعضی حالات خاص بین حیات جنین و حیات مادر باید یکی از آن‌ها انتخاب گردد که در این حالت اکثراً حیات مادر ترجیح داده شده و به خاطر نجات جان مادر، جنین را اسقاط می‌کنند. قانونگذار عمل اسقاط جنین را در چنین حالتی بر اساس اصل انتخاب ضرر کمتر جرم ندانسته و قابل مجازات نمی‌داند. البته لازم به ذکر است که در چنین وضعیتی برای جنین سه حالت را می‌توان در نظر گرفت:

۱. اینکه جنین ماه‌های اولیه را سپری نموده و روح در آن دمیده نشده است؛
۲. اینکه جنین دارای روح بوده و اعضای بدن آن به شکل کامل تکمیل شده و در ماه‌های اخیر دوره حمل قرار دارد. که در این حالت، در صورت خروج جنین از رحم مادر با استفاده از تکنولوژی و دستگاه مخصوص، طفل را درون آن قرار داده و به رشد طبیعی خود ادامه می‌دهد؛
۳. اینکه جنین دارای حیات بوده و اعضای بدن آن شکل گرفته اما در صورت جدا شدن از مادر، از بین می‌رود.

در حالت اول اگر بقای جنین به حیات مادر خطر جدی داشته باشد، حیات مادر بر موجودیت جنین ترجیح داده می‌شود. چون اگر مادر فوت کند، بدون شک جنین نیز از بین خواهد رفت. در حالت دوم که جنین را بعد خروج از رحم مادر می‌توان درون دستگاه قرار داد، اینجا هم خارج کردن و اسقاط آن جایز دانسته شده، اما در حالت سوم که جنین بعد از جدا شدن از مادر، نمی‌تواند زنده بماند، نظام حقوقی افغانستان بر عکس ایران، حیات مادر را ترجیح داده و اسقاط جنین را بر اساس دلایل طبی جایز می‌داند، اما به این شرط که با تشخیص و تجویز طبیب متخصص

صورت بگیرد و با اسقاط جنین، حیات و سلامتی مادر، تضمین شود، ولی اگر مرگ مادر حتمی بوده و ربطی به بقای جنین در رحم مادر نداشته باشد، در این صورت ارجحیت به حیات جنین داده می‌شود. (شرح کود جزا، ۳/ ۲۶۸)

نتیجه:

با توجه به مطالب بیان‌شده، سقط جنین از جمله جرایم پنهان ولی شایع، از گذشته‌های دور تا به امروز در میان بشر همواره با انگیزه‌های متفاوت وجود داشته است. اگر چه با ظهور مذاهب توحیدی، سقط جنین به طور کلی منع گردید، اما با رشد جوامع و کم رنگ شدن ارزش‌های اخلاقی در سراسر جهان سیر صعودی داشت. با این حال بیشتر کشورهای اسلامی، با سقط جنین به طور مطلق مخالف‌اند و برای جنین حق حیات قائل بوده و فقط تحت شرایط خاص، سقط جنین را مجاز می‌شمارند.

با توجه به متون فقهی مذاهب مختلف اسلامی که برگرفته از آیات و روایات است، حیات جنینی دارای دو دوره متمایز از هم، یعنی دوره قبل از ولوج روح و دوره بعد از آن است. دوره قبل از ولوج روح، جنین دارای حیات نباتی و در مسیر رشد و انسان شدن قرار دارد. به همین دلیل به اتفاق فقهای شیعه با استناد به آیات، سقط عمدی آن به جز در موارد ضرورت، چون تهدید جدی سلامت و جان مادر و رفع ضرر شدید، حرام است.

مذاهب اهل تسنن، درباره سقط جنین پیش از دمیده شدن روح آرای گوناگونی را با توجه به مبانی خاص خود ارائه داده‌اند. عده‌ای سقط پیش از ولوج روح و گروهی پیش از چهل روز را به طور مطلق جایز می‌دانند. به دلیل اینکه آنچه سقط می‌شود صورت انسانی ندارد و خلقت آشکار نمی‌باشد. گروهی نیز سقط پیش از ولوج روح را در صورت عذر جایز می‌دانند و مالکیه سقط در این مرحله را مطلقاً جایز نمی‌دانند، چون آنچه سقط می‌گردد مبدأ خلق آدمی است، که قول عدم جواز آن بدون عذر ترجیح می‌نماید.

فقهای مذاهب اسلامی به اتفاق سقط جنین پس از دمیده شدن روح را به طور کلی حرام می‌دانند، زیرا جنین دارای حیات انسانی است و اسقاط آن قتل انسان زنده محسوب می‌گردد و ادله حرمت قتل نفس را شامل می‌شود.

در نظام حقوقی ایران، اسقاط جنین از زمان انعقاد خون تا لحظه تولد جرم و مرتکب، مطابق با جرم علاوه بر پرداخت دیه، به مجازات‌های مقرر محکوم می‌گردد. به علاوه اینکه در فقه و قوانین موضوعه در موارد استثنائی، اسقاط جنین مجاز شمرده شده است. در نظام حقوقی افغانستان، اشاره‌ای به مراحل رشد جنین و میزان دیه آن نشده اما در کتاب شرح کود جزا می‌گوید سقط جنین در صورتی دیه دارد که جنین، شکل انسانی به خود گرفته باشد در غیر این صورت فقط مجازات دارد.

منابع و مأخذ:

قرآن مجید

- ابن بابویه قمی، محمد بن علی (شیخ صدوق) (۱۴۱۳)، من لا یحضر الفقیه، بیروت: دار الأضواء.
- ابن قدامه، عبدالرحمن (۱۴۰۳)، المغنی و الشرح الکبیر، بیروت: دار الکتاب العربی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (بی‌تا)، لسان العرب، بیروت: دار الصادر.
- اشرفی، منصور (۱۳۶۷)، اخلاق پزشکی، تبریز، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی.
- البهوتی، منصور بن ادریس (۱۴۲۰)، کشف القناع، بیروت: دار الفکر.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۸۰)، ترمینولوژی حقوق، تهران: انتشارات گنج دانش.
- حر عاملی، محمد بن حسن (بی‌تا)، وسائل الشیعه، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

- حسینی شیرازی، سید محمد (۱۴۰۹)، الفقه، بیروت: دار العلوم.
- حکیم، محمد تقی (۱۴۱۹)، الفقه للمغربین، قم: انتشارات آیت الله سیستانی.
- حلی، جعفر بن حسن (۱۳۶۸)، شرایع الاسلام، ترجمه ابوالقاسم یزدی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- خرازی، محسن (۱۴۲۰)، «تهدید نسل و تعقیم»، مجله فقه اهل بیت، ش ۵۱، قسم دوم.
- خمینی، سید روح الله (۱۳۸۱)، اسفناات از محضر امام خمینی علیه السلام، قم: انتشارات اسلامی.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۴۰)، لغت نامه، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- الرملى، ابن شهاب الدين (۱۴۱۴)، نهاية المحتاج الى شرح المنهاج، بيروت: دار الكتاب العلمي.
- زراعت، عباس (۱۳۸۰)، قانون مجازات اسلامی، تهران: انتشارات ققنوس.
- زيدان، عبد الكريم (۱۴۱۵)، المفصل في احكام المراه و البيت المسلم، بيروت: مؤسسه الرساله.
- سادلر، توماس وى (۱۳۸۹)، رويان شناس لانگمن، ترجمه ی نوید علی یاری زنوز، تهران: نشر سماط.
- شرح کود جزا (۱۳۸۹)، کابل: انتشارات بنیاد آسیا.
- شلتوت، محمود (۱۳۹۵)، الفتاوى دراسه لمشكلات المسلم المعاصر، بيروت: دار التراث العربی.
- صادقی، محمد هادی (۱۳۷۸)، جرایم علیه اشخاص، تهران: انتشارات میزان.
- صانعی، یوسف (۱۳۷۶)، اسفناات پزشکی، قم: انتشارات میثم تمار.
- طلعتی، محمد هادی (۱۳۸۳)، رشد جمعیت، قم: انتشارات بوستان.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۹۰)، استبصار، ج ۳، تهران: دار الكتاب اسلامیه.
- عباسی، محمود (۱۳۸۲)، سقط جنین، انتشارات حقوقی، ۱۳۸۲

- عزیزی، فریدون (۱۳۷۴)، فقه و طب، چ ۳، تهران: انتشارات فرهنگ اسلامی.
- علیان نژادی، ابوالقاسم (۱۳۸۱)، استفتائات جدید، قم: انتشارات امام علی علیه السلام.
- عمید، حسن (۱۳۶۳)، فرهنگ عمید، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- عویس، عبد الحلیم (بی تا)، موسوعه الفقه الاسلامی المعاصر، بیروت: دار الوفا.
- غانم، عمر بن محمد (۱۴۲۱)، احکام الجنین فی فقه اسلامی، بیروت: دار ابن حزم.
- غفوری ثانی، اسدالله (۱۳۹۳)، قانون مجازات اسلامی، مشهد: رادکان.
- فضل الله، سید محمد حسین (۱۴۱۷)، مسائل فقهیه، بیروت: دار الملاک.
- کشاورز، بهمن (۱۳۷۵)، مجموعه محشای قانون تعزیرات، تهران: انتشارات گنج دانش.
- کیانی، مهرداد (۱۳۹۳)، پزشکی قانونی برای دانشجویان رشته حقوق، تهران: سمت، ۱۳۹۳.
- گلدوزیان، ایرج (۱۳۷۲)، حقوق جزای اختصاصی، چ ۴، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- گودرزی، فرامرز (۱۳۷۲)، پزشکی قانونی، تهران: انتشارات انشتین.
- محقق داماد، مصطفی (۱۳۷۳)، تحقیقی در مورد سقط جنین و عوارض ناشی از آن، مجموعه مقالات اخلاقی پزشکی.
- محیط، بهرام (۱۳۴۸)، سقط جنین عمدی، تهران: .
- نیشابوری، محمد بن مسلم (بی تا)، جامع صحیح مسلم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۱۹)، [مسائل مستحدثه فی طب] مجله فقه اهل بیت علیهم السلام، ش ۱۰، قسم دوم.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۲)، بحوث فقهیه مهمه، قم: انتشارات امام علی علیه السلام.

- موسوی خمینی، سید روح الله (۱۳۹۰)، تحریر الوسيله، قم: دار الكتاب علمیه.
- موسوی خمینی، سید روح الله (۱۳۶۶)، توضیح المسائل امام، تهران: انتشارات فرهنگي رجا.
- موسوی خوئی، سید ابو القاسم (۱۳۶۹)، مبانی تکمله منهاج، قم: بی‌نا.
- موسوی خوئی، سید ابو القاسم (۱۴۱۶)، صراط النجاة فی اجوبه الاستفتائات، قم: نشر برگزیده.
- مهربان، علی (۱۳۸۰)، «بررسی جرم سقط جنین از دیدگاه فقها و حقوق جزا»، نشریه دادرسی، ش ۲۸.
- مهرپور، حسین (۱۳۷۱)، مجموعه نظرات شورای نگهبان، تهران: انتشارات کیهان.
- نجفی، محمد بن حسن (بی‌تا)، جواهر الکلام، ج ۲، بیروت: دار احیاء تراث عربی.

